

Short Article

Vol 16, Issue 1, Spring 2024, Ser 59, PP: 165-172

Title: Two Sweet Rubies

Authors: Mehdi Rostami*

Abstract: Hakim Sanai Ghaznavi is a revolutionary poet in the history of Persian poetry who was at the forefront of innovation when it comes to the forms of Masnavi (couplet poem), ode, and sonnet by introducing new concepts. Sanai's collection of poems has been revised several times so far, among which we can mention the corrections by Modares-Razavi, Mazaher Mosfa, Shafi'i Kadkani (selection of sonnets and odes), and Jalali Pandri (sonnets). In one of his Ghalandari (wandering Dervish) sonnets, there is a composition that seems to render a more accurate meaning with a different reading of the sonnet. Intratextual signs, as well as the frequency and functions of the new readings in the rest of Sana'i poems, make the new reading more likely. This review study applies a descriptive-analytical method based on the analyses of the critics' readings of the target composition. Among those who have modified Sanai, Modares Razavi, Mosfa and Shafii Kadakani have come up with similar recordings. Only Jalali Pandri and later Barzegar Khaleghi have proposed the new readings. This means that the collection of poems by Sannai is still in need of review and correction.

Key words: Sanai Ghaznavi, correction, in the climate of light, two sweet rubies.

Received: 2023-09-17

Accepted: 2024-01-16

* Asistant Prof Persian Language and Literature of Salman Farsi University of Kazeroun, dr.rostami@kazerunfsu.ac.ir.
DOI: 10.22099/JBA.2023.47326.4392



مقاله‌ی کوتاه، سال ۱۶، بهار ۱۴۰۳، شماره‌ی اول، پیاپی ۵۹، صص ۱۶۵-۱۷۲

«دو یاقوتِ شکر بار»

مهدی رستمی*

چکیده

حکیم سنایی غزنوی شاعری جریان‌ساز در تاریخ شعر فارسی است که توانسته در قالب‌های مثنوی، قصیده و غزل با آوردن مفاهیم تازه نوآوری ایجاد کند. تاکنون دیوان سنایی چندین بار تصحیح شده است که از این میان می‌توان به تصحیح‌های مدرس رضوی، مظاهر مصفا، شفیع‌کدکنی (گزیده‌ی غزلیات و قصاید)، جلالی‌پندری (غزلیات) اشاره کرد. در یکی از غزل‌های قلندری وی، ترکیبی وجود دارد که به نظر می‌رسد با خوانشی دیگرگونه معنای درست‌تری به دست دهد. نشانه‌های درون‌متنی، همچنین بسامد کاربرد خوانش جدید در اشعار دیگر سنایی قرائت تازه را محتمل‌تر می‌کند. این جستار از نوع مروری با روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای بررسی و نقد خوانش مصححان از ترکیب مورد نظر شکل گرفته است. از میان مصححان سنایی، مدرس رضوی، مصفا و شفیع‌کدکنی ضبط مشابهی داشته‌اند. تنها جلالی‌پندری و بعدها برزگر خالقی خوانش تازه را مطرح کرده‌اند. چنین می‌نماید دیوان سنایی همچنان به بازنگری در تصحیح نیازمند باشد.

واژه‌های کلیدی: تصحیح، در اقلیم روشنایی، دو یاقوت شکر بار، سنایی غزنوی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون dr.rostami@kazerunfsu.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۹/۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۲۷

DOI: 10.22099/JBA.2023.47326.4392

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۸۱۸۳

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۷۷۵۱



۱. مقدمه

زنده‌یاد محمدتقی مدرس‌رضوی در سال ۱۳۲۰ ه.ش، نخستین تصحیح انتقادی دیوان سنایی را منتشر کرد. وجود خطاهای خوانشی و غلط‌های ناپیراسته در این چاپ موجب نقد دست‌آوردان ادبیات و پژوهندگان شعر را فراهم کرد تا جایی که مصحح محترم را بر آن داشت که به تصحیح دوباره همت گمارد و در سال ۱۳۴۱ ویراست تازه‌ای را به دست‌آوردان سنایی عرضه کند. این تصحیح اگرچه نسبت به تصحیح نخست پیراسته‌تر بود؛ اما به گمان سنایی‌پژوهان و نسخه‌خوانان همچنان آکنده از موارد اصلاح‌شدنی بود. مظاهر مصفا با انتقاد از غلط‌های چاپ نخست مدرس رضوی به تصحیح مجدد دیوان سنایی مبادرت ورزید و در سال ۱۳۳۶ تصحیح خود را با مقدمه‌ای مبسوط در شرح احوال و اختصاصات سخن سنایی به زیور طبع آراسته گردانید.

شفیعی‌کدکنی نیز در دو گزیده‌ای که از قصاید و غزلیات حکیم سنایی فراهم آورده، *تازیانه‌های سلوک* (۱۳۷۲) و *در اقلیم روشنایی* (۱۳۷۳)، تصحیح‌گونه‌ای از اشعار منتخب به‌دست داده است. ایشان در مقدمه‌ی گزیده‌ی *غزلیات سنایی* (در اقلیم روشنایی) یکی از امتیازات تصحیح خود را دسترسی به دست‌نویس موزه‌ی کابل می‌داند که در زمان مدرس رضوی ناشناخته بوده است: «من این غزل‌های سنایی را بر اساس چندین نسخه‌ی کهن و از جمله نسخه‌ی بسیار قدیمی موزه‌ی کابل تصحیح کرده‌ام و ضبط موجود در این کتاب بنابر اصولی که من در نظر داشته‌ام، بر هر چاپ دیگر دیوان سنایی رجحان دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹: ۸).

یدالله جلالی‌پندری در سال ۱۳۷۷ رساله‌ی دکتری خود را با راهنمایی شفیعی‌کدکنی به تصحیح ۴۰۲ غزل سنایی بر اساس نسخه‌هایی از کتابخانه‌ی ملی ایران و کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران اختصاص داد و تحقیقی گران‌سنگ و ارزنده درباره‌ی غزلیات شوریده‌ی غزنه به یادگار گذاشت که مرجعی محققانه برای پژوهشگران غزل سنایی بوده و خواهد بود. پژوهش ایشان بعدها به صورت کتاب منتشر و روانه‌ی بازار شد. همچنین جلالی در جستارهای جداگانه و به‌طورمدقانه اغلاط بسیاری از دیوان سنایی تصحیح مدرس رضوی را با خوانشی درست اصلاح کرده است (برای آشنایی بیشتر به جستارهای ایشان مراجعه شود). انگیزه‌ی ترقیم این سطور بررسی و نقد خوانش مصححان از ترکیبی

در یکی از ابیات سنایی است. نویسنده‌ی این جستار بار نخست آن را در کتاب روشنی‌افزای در اقلیم روشنائی خواند و به این حدس افتاد که بیتی از یکی از غزل‌ها خوانشی دیگر نیز می‌تواند داشته باشد.

۲. بحث

در کتاب در اقلیم روشنائی (تفسیر چند غزل از حکیم سنایی غزنوی به انتخاب و تصحیح شفیعی کدکنی) غزل شماره‌ی ۳۳ با پنج بیت چنین آمده است:

دوش یارم به بر خویش مرا بار نداد	قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد
آن درختی که همه عمر بکشتم به امید	دوش در فرقت او خشک شد و بار نداد
شب تاریک چو من حلقه زدم بر در او	بار چون داد دل او که مرا بار نداد؟
شربتی ساخته بود از شکر و آب حیات	نه نکو کرد که یک قطره به بیمار نداد
هر که او دل به غم یار دهد خسته شود	رسته آن است که او دل به غم یار نداد

(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۶)

در دیوان سنایی غزنوی، تصحیح مدرس رضوی غزل یادشده به همین صورت آمده است، مضاف بر اینکه بعد از بیت چهارم بیتی دارد که شفیعی آن را در گزیده‌ی خود نیاورده و آن بیت این است: «این چنین کار از آن یار مرا آمد پیش / کم ز یک ماه دل و چشم مرا کار نداد» (سنایی، ۱۳۸۸: ۸۳۹).

گفتنی است شفیعی در گزیده‌هایی که از غزلیات شاعران گذشته همچون مولانا و بیدل به دست داده، گاه ابیاتی را که به زعم وی امروزی نیست، حذف کرده و محتمل است دلیل حذف این بیت از غزل حکیم سنایی نیز همین امر باشد. مصفا غزل مورد بحث را با همان تصحیح مدرس رضوی ذکر کرده و اختلافی در خوانش و قرائت به دست نداده است (رک. همان، ۱۳۳۶: ۴۰۳).

به نظر می‌رسد مطلع غزل مزبور یعنی:

«دوش یارم به بر خویش مرا بار نداد قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد»

به خوانشی دیگر و به شکلی درست‌تر راه به معنی دهد و افزون شدن زیبایی بیت را موجب شود:

«دوش یارم به بر خویش مرا بار نداد قوتِ جانم ز دو یاقوتِ شکر بار نداد»
 مدرس رضوی، چاپ سنگی تهران (۱۲۷۴ هجری در ۲۷۴ صفحه متن و هامش) را به‌عنوان نسخه‌ی اساس خود قرار داده و از آن به صفت «جامع» یاد کرده است (رک. جلالی‌پندری، ۱۳۸۱: ۲۳). مدرس، دو بار دیوان سنایی را تصحیح کرده است؛ تصحیح نخست در: ۱۳۲۰ و تصحیح دوم در: ۱۳۴۱. گویا تصحیح دوم به‌منظور پیراستن خطاهایی بوده که صاحب‌نظران شعر کهن از جمله مصفا از تصحیح نخست گرفته بودند.

مصفا در مقدمه‌ی دیوان مطبوع خود اذعان می‌کند که در دیوان‌های منتشره تا زمان نویسنده از جمله دیوان تصحیح نخست مدرس رضوی و همچنین چاپ سنگی تهران، صدها غلط و خلط و اشتباه و تحریف و تصحیف وجود دارد: «نسخه‌ی مصحح استاد محترم آقای مدرس رضوی چنان‌که ذکر شد، از خطاهای بسیار مصون نمانده و در آن اشتباه‌های بسیار و گاهی شگفت‌آور راه یافته است» (سنایی، ۱۳۳۶، مقدمه: دوپست و پانزده). بااین حال ایشان نیز غزل مورد‌بحث را به همان صورت موجود در تصحیح مدرس رضوی به طبع رسانیده است؛ یعنی به‌صورت: «قوتِ جانم زد و یاقوتِ شکر بار نداد».

فاطمه محمدی عسکراآبادی در حکیم قلندر (گزیده و شرح اشعار حکیم سنایی) در بخش گزیده‌ی غزلیات، غزل مورد‌نظر را نیاورده است. همچنین این غزل در گزیده‌ی اشعار سنایی که یدالله شکری به دست داده در بین غزل‌های انتخابی جایی ندارد. گزیده‌ی اشعار سنایی به گزینش سیدضیاءالدین سجادی و جعفر شعار نیز در بخش غزل‌ها فاقد غزل مورد بحث است؛ بنابراین منابع منتشرشده در بررسی این غزل عبارت است از: دیوان سنایی تصحیح محمدتقی مدرس رضوی (۱۳۲۰ و ۱۳۴۱)، دیوان سنایی تصحیح مظاهر مصفا (۱۳۳۶)، در اقلیم روشنایی (تفسیر چند غزل از حکیم سنایی) به انتخاب و تصحیح و توضیح محمدرضا شفیعی‌کدکنی (۱۳۷۳)، غزل‌های حکیم سنایی غزنوی از یدالله جلالی‌پندری (۱۳۸۶) و دیوان سنایی تصحیح محمدرضا برزگر خالقی (۱۳۹۱ ب). می‌توان گفت به غیر از موارد یادشده، بقیه‌ی دیوان‌های چاپ‌شده‌ی اشعار سنایی، از روی تصحیح مدرس رضوی است؛ برای نمونه: دیوان سنایی به‌اهتمام پرویز بابایی انتشارات نگاه. همچنین دیوان اشعار سنایی به سعی و اهتمام علی‌محمد صابری، رقیه تیموری و روح‌الله محمدی همه بر اساس تصحیح دوم مدرس رضوی است و غزل

مورد بحث را به صورت همان تصحیح رضوی ذکر کرده‌اند؛ یعنی به صورت: «قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد». تنها مصححی که خوانشی تازه و البته صواب از بیت مذکور داشته، یدالله جلالی پندری و بعدها به تبع وی محمدرضا برزگر خالقی است. جلالی در جستاری به نام: «روایت‌های نادرست از اشعار سنایی» ضمن پاسداشت مقام مدرس رضوی به خاطر انجام نخستین تصحیح انتقادی از دیوان حکیم سنایی به پاره‌ای از خطاهای راه‌یافته در تصحیح مطرح‌شده اشاره می‌کند و خوانش‌های به نظر صحیح‌تری از آن به دست می‌دهد (رک. جلالی پندری، ۱۳۸۱: صص ۲۳-۶۲).

بیت مورد بحث در تصحیح مدرس رضوی (سنایی، ۱۳۴۱: ۸۳۹)، مظاهر مصفا (سنایی، ۱۳۳۶: ۴۰۳) و نیز شفیع کدکنی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۳۵) به صورت واحد چنین آمده است:

«دوش یارم به بر خویش مرا بار نداد
قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد»
شفیعی در شرح غزلیات سنایی درباره‌ی مصراع دوم بیت مذکور چنین توضیح داده است: «قوت جانم زد: یعنی قوت جانم را ربود و به سرقت برد»، «یاقوت شکر بار: مقصود لبان معشوق است و به کنایه بوسه» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۹۰)؛ اما به نظر مصراع دوم را همان‌گونه که جلالی در تصحیح غزلیات سنایی (رک. جلالی پندری، ۱۳۸۶: ۹۵) و برزگر خالقی در دیوان حکیم سنایی (رک. سنایی، ۱۳۹۱: ب: ۵۳۲) آورده است می‌توان به گونه‌ای دیگر و بهتر خواند؛ یعنی: «قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد» به این گونه: «قوت جانم ز دو یاقوت شکر بار نداد» خوانده و نوشته شود که در این صورت بیت معنای روشن‌تری می‌گیرد. «قوت جانم ز دو یاقوت شکر بار نداد»: لب‌های شیرین و سرخ‌رنگ خود را که به منزله‌ی خوراک روح من است از من دریغ کرد، من را از بوسه‌ی خود محروم ساخت. در این خوانش تکیه و تأکید بر «دو» سبب می‌شود مفهوم استعاری یاقوت آسان‌تر ادراک شود. به عبارتی «دو» به همراه «شکر بار» قرینه‌ی صارفه‌ای است که ذهن را از یاقوت معمولی به یاقوتی غیر معمول و خیالی (دو لب سرخ‌رنگ یار) هدایت می‌کند. علاوه بر این در دیوان سنایی، نمونه‌هایی از ترکیب: «از دو یاقوت» / «ز دو یاقوت» / «دو یاقوت» دیده می‌شود که صحت این قرائت را محتمل می‌کند، از جمله:

۱. در قصیده‌ای در مدح بهرام‌شاه غزنوی: «ای بی‌سببی از بر ما رفته به آزار / وی مانده ز آزار تو ما سوخته و زار»، ترکیب «دو یاقوت شکر بار» مشاهده می‌شود:

از چنگ میازار دو گلنار سمن‌بوی از زهر میالای دو یاقوت شکر بار
(همان، ۱۳۸۸: ۲۰۸)

۲. همچنین در غزلی با مطلع: «روی او ماه است اگر بر ماه مشک افشان بود / قد او سرو است اگر بر سرو لالستان بود» که در دیوان امیرمعزی نیز راه یافته است، دقیقاً ترکیب «ز دو یاقوت» وجود دارد:

گر ز دو هاروت او دل‌ها نژند آید همی درد دل‌ها را ز دو یاقوت او درمان بود
(همان: ۸۶۸)

گفتنی است در بیت مزبور «ز دو یاقوت» با «ز دو هاروت» ایجاد جناس کرده و بر موسیقایی‌تر کردن بیت افزوده است.

۳. دیگر غزل بلندبالای: «چون سخن زان زلف و رخ گویی مگو از کفر و دین / زان که هر جای این دو رنگ آمد نه آن ماند نه این» ترکیب مدعا را داراست:
از دو یاقوتش دو چیز طرفه یابم در دو حال چون بگوید حلقه باشد چون خم‌ش گردد نغین
(همان: ۵۴۹)

امیرمعزی یکی از شاعرانی است که برخی از شعرهای منسوب به سنایی در دیوان او دیده می‌شود. وی قصیده‌ای دارد با مطلع: «چیست آن آبی که رخ را گونه‌ی آذر دهد / تلخی او عیش را شیرینی شکر دهد» در این قصیده بیتی است که از اتفاق در مصراع دوم «قوت جان ز دو یاقوت دادن» در آن دیده می‌شود:

آن که چون بیند که جانم را به قوت آمد نیاز قوت جان من ز دو یاقوت جان‌پرور دهد
(معزی، ۱۳۱۸: ۱۶۰)

قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد	قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد
محمدتقی مدرس رضوی	یدالله جلالی پندری
مظاهر مصفا	محمدرضا برزگر خالقی
محمدرضا شفیعی کدکنی	

۳. نتیجه گیری

۱. تاکنون بر دیوان حکیم سنایی تصحیحات متعدد انجام شده است. نخستین تصحیح را مدرس رضوی انجام داده که الگویی برای مصححان بعدی قرار گرفته است؛ اما این تصحیح همچنان نیازمند بازنگری است؛
۲. تصحیح مدرس رضوی از دیوان سنایی نیازمند بازنگری و تصحیح مجدد است که جلالی پندری به ویژه در بخش غزلیات این ضرورت را دریافته و موارد متعددی را اصلاح کرده است؛
۳. به نظر می رسد چینش و خوانش: «قوت جانم ز دو یاقوت شکر بار نداد» بر «قوت جانم زد و یاقوت شکر بار نداد» ارجح باشد و علاوه بر رسایی معنا، نمونه هایی از ترکیب «دو یاقوت شکر بار» در دیگر اشعار سنایی از آن پشتیبانی می کند که در متن به آن اشاره شد.

منابع

- جلالی پندری، یدالله. (۱۳۷۷). تصحیح انتقادی غزل های حکیم سنایی غزنوی. پایان نامه ی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۱). «روایت های نادرست از اشعار سنایی». نشریه ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، دوره ی ۴۵، شماره ی ۱۸۵، صص ۲۳-۶۲.
- _____ (۱۳۸۵). «نسخه ای جامع از دیوان حکیم سنایی غزنوی». آینه ی میراث، دوره ی جدید، سال ۴، شماره های ۲ و ۳، صص ۱۵۷-۱۷۹.
- _____ (۱۳۸۶). غزل های حکیم سنایی غزنوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- سجادی، سیدضیاءالدین؛ شعار، جعفر. (۱۳۷۴). نغمه گر حدیقه ی عرفان (گزیده ی اشعار سنایی). تهران: سخن.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۴۱). دیوان سنایی. به سعی و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران: کتابخانه ی ابن سینا.
- _____ (۱۳۶۶). دیوان حکیم سنایی. به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۵). دیوان سنایی. به سعی و اهتمام علی محمد

صابری، رقیه تیموری و روح‌الله محمدی، تهران: سنایی.

_____ (۱۳۸۸). دیوان سنایی. به سعی و اهتمام محمدتقی

مدرس رضوی، تهران: نگاه.

_____ (۱۳۹۱ الف). دیوان سنایی غزنوی. به اهتمام پرویز

بابایی، تهران: نگاه.

_____ (۱۳۹۱ ب). دیوان حکیم سنایی. به کوشش محمدرضا

برزگر خالقی، تهران: زوار.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۹). در اقلیم روشنایی، تفسیر چند غزل از حکیم سنایی

غزنوی. تهران: آگه.

شکری، یدالله. (۱۳۵۵). گزیده‌ای از آثار ابوالمجدود بن آدم سنایی غزنوی. دانشگاه

سپاهیان انقلاب ایران.

محمدی عسکرآبادی، فاطمه. (۱۳۹۷). حکیم قلندر، گزیده و شرح اشعار حکیم سنایی

غزنوی. تهران: دستان.

معزی، محمدبن عبدالملک نیشابوری. (۱۳۱۸). دیوان اشعار. به سعی و اهتمام عباس اقبال،

تهران: کتابفروشی اسلامیة.